

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

قیوم بشیر هروی ملبورن - آسترالیا
۳۱ اکتوبر ۲۰۲۰



غم مخور

یاد آن روزی که دل های قراری داشتیم
هیچ کسی را جرأت دیدن به ملک ما نبود
فرستی گر دست می داد نوجوانان گهگهی
عصرها از بهر تقریح با گروه دوستان
کس نبود در فکر نان و آب و یا چیز دگر
کلبه ما داشت رونق از صفای همدلی
دختران دیگچه پزانی می نمودند بر اجاق
عده ای سرگرم جز بازی و پنجاق و طناب
نرگس و گل های خوشبو در گلستان وطن
بود فزون از صد نوع انگور روزی در هرات
میله نارنج ما در شرق و لغمان پر شکر
توت خنجانش چنین شیرین و طعمی چون عسل
عسقلانی، زرمی، قندک همه شیر و شکر
میوه های رنگ رنگ کشورم یک نعمت است
در بدخشان لعل و در پنجشیر زمر بود فزون

مردم مهمان نواز و پایداری داشتیم
لشکر آزاده و با اقتداری داشتیم
پشت بام کاغذ پران و چرخه تازی داشتیم
بایسکل و توپی و پارک زرنگاری داشتیم
مادر بس مهربان و غم گساری داشتیم
شور و حال بس عجیب و هم وقاری داشتیم
خواهرانی مهربان و جان نثاری داشتیم
کودکانی خوش بیان و گلعداری داشتیم
کشتزار گندم و هم شالی زاری داشتیم
قندهاری بود و شهری پر اناری داشتیم
دشت های سرخ لاله در مزاری داشتیم
در تخارش جنگلات پسته زاری داشتیم
شهر کندز را نگر فصل شکاری داشتیم
ما به هر سوی وطن صد افتخاری داشتیم
سنگ شاه مقصود به شهر قندهاری داشتیم

از شمالش تاجنوب و شرق و غربش دلکش است
روز های جمعه می رفتیم به پغمان قشنگ
حرف های اختلاف آور نبود در زندگی
از سیاست دور بودند مردم ما اکثراً
غم مخور «قیوم» که بازگردد خروشان میهن
مردم یک پارچه ای از هر تباری داشتیم
قرغه و استالف و هم گل بهاری داشتیم
همدلی بود و صفا بود و بهاری داشتیم
چون بهشت صلح و آرامش دیاری داشتیم
همچو آن روزی که مایان اعتباری داشتیم

"هروی" نوزدهم جنوری ۲۰۱۴